بسم‌الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[حد محارب 1](#_Toc427751788)

[توبه محارب 1](#_Toc427751789)

[بررسی آیه شریفه 2](#_Toc427751790)

[عمل اتحادی و انضمامی 2](#_Toc427751791)

[قاعده استیفا در مقام تعدد حدود 2](#_Toc427751792)

[مسقطیت توبه در این مقام 3](#_Toc427751793)

[تصلیب محارب 3](#_Toc427751794)

[مستندات بحث 3](#_Toc427751795)

[روایت اول 3](#_Toc427751796)

[روایت دوم 4](#_Toc427751797)

[روایت سوم 4](#_Toc427751798)

[مقصود از صلب 4](#_Toc427751799)

[صلب بنا بر مبنای تخییر 4](#_Toc427751800)

# حد محارب

# توبه محارب

مسئله هفتم مربوط به این است که؛

**«مسألة 7: لو تاب المحارب قبل القدرة علیه سقط الحدّ دون حقوق الناس من القتل و الجرح و المال، و لو تاب بعد الظفر علیه لم یسقط الحدّ أیضاً»[[1]](#footnote-1)**

در آیه شریفه نیز نسبت به توبه محارب، چنین بیانی دارد؛

**«إِنَّما جَزاءُ الَّذِینَ یحارِبُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ یسْعَوْنَ فِی الْأَرْضِ فَساداً أَنْ یقَتَّلُوا أَوْ یصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَیدِیهِمْ وَ أَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلافٍ أَوْ ینْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذلِک لَهُمْ خِزْی فِی الدُّنْیا وَ لَهُمْ فِی الْآخِرَةِ عَذابٌ عَظِیمٌ» [[2]](#footnote-2)**

. این در آیه اول است و بلافاصله در آیه بعد می‌فرماید؛

**«إِلَّا الَّذِینَ تابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَیهِمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِیم»[[3]](#footnote-3)**

# بررسی آیه شریفه

در این آیه شریفه به چند نکته پرداخته‌شده است؛ یک نکته این‌که آیه در مقام بیان حکم محاربه از جنبه حق‌الله بودن آن است و اینکه ازنظر حق عمومی این عمل محاربه و افساد فی‌الارض است. جنبه حق‌الناسی نیز در آن وجود دارد.

## عمل اتحادی و انضمامی

عمل‌ها گاهی جنبه اتحادی و گاهی نیز جنبه انضمامی دارند، یعنی گاهی یک عمل مصداق دو عنوان است. از جهتی می‌شود موضوعاتی برای یک حکم ثابت شوند و حتی یک موضوع چند حکم پیدا کند. در اینجا نیز هر عملی که مصداق این محاربه باشد، این حکم بر آن مترتب است، ولی همان عمل ممکن است مصداقی برای بحث قصاص باشد.

از جهتی می‌توان گفت در اینجا دو بحث وجود دارد؛ یکی اینکه این دلیل ناظر به جنبه حق‌الله قضیه است و جنبه حق‌الناس دارای عناوین مستقلی است. لذا اگر مالی را برده ضامن است، اگر قتل و جرحی وارد کرده، مقابل اولیای شخص یا خود شخص مسئول است.

### قاعده استیفا در مقام تعدد حدود

قاعده‌ای در باب حدود وجود دارد که اگر درجایی چند حد جمع شد، حدود باید نحوی اجرا شود که همه آن‌ها استیفا گردد، در قبال عنوان محاربه نیز به همین صورت است که اگر فرد علاوه بر تشهیر سلاح، دست به قتل یا غارت یا عناوین دیگر زد، در مقام جزاء باید استیفا عقاب از او صورت پذیرد. لذا نمی‌شود اول او را کشت، پس‌ازآن حدود دیگر مانند قطع ید را انجام داد.

#### مسقطیت توبه در این مقام

در قبال مسقطیت توبه در این مقام باید گفت که بله، طبق نص آیه شریفه توبه در قبال محاربه مسقط خواهد بود. همان‌طور که آیه شریفه فرموده اگر فرد قبل از آنکه حاکم آن‌ها را دستگیر کند توبه کنند، حد ساقط خواهد شد.

#### تصلیب محارب

دومین گزینه که در آیه شریفه در قبال حد محارب بیان‌شده است، تصلیب اوست. در این رابطه چند نکته وجود دارد که؛ آیا به دار آویختن باید بعد از قتل باشد یا فرد به‌واسطه تصلیب باید به قتل برسد؟ پس از به دار آویختن چند روز باید در آنجا باقی بماند؟

این موارد سؤالاتی است که در متن تحریر در قبال آن این‌گونه جواب داده‌شده است؛

**«مسألة 9: یصلب المحارب حیاً، و لا یجوز الإبقاء مصلوباً أکثر من ثلاثة أیام، ثمّ ینزل، فإن کان میتاً یغسّل و یکفّن و یصلّی علیه و یدفن، و إن کان حیاً قیل: یجهز علیه و هو مشکل. نعم، یمکن القول بجواز الصلب علی نحو یموت به، و هو أیضاً لا یخلو من إشکال»[[4]](#footnote-4)**

باید او با به دار آویخته شدن به قتل برسد و بیش از سه روز جایز نیست بر بالای دار بماند.

#### مستندات بحث

آنچه در روایات مشخص می‌شود، این است که صلب مربوط به بعد قتل است، مثلاً در روایت اول از باب اول، ابواب حد محارب که روایت دال بر ترتیب بود، این‌گونه بود که؛

#### روایت اول

**«مُحَمَّدُ بْنُ یحْیی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِی أَیوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ ع قَالَ: مَنْ شَهَرَ السِّلَاحَ فِی مِصْرٍ مِنَ الْأَمْصَارِ فَعَقَرَ اقْتُصَّ مِنْهُ وَ نُفِی مِنْ تِلْک الْبَلْدَةِ وَ مَنْ شَهَرَ السِّلَاحَ فِی غَیرِ الْأَمْصَارِ وَ ضَرَبَ وَ عَقَرَ وَ أَخَذَ الْمَالَ وَ لَمْ یقْتُلْ فَهُوَ مُحَارِبٌ فَجَزَاؤُهُ جَزَاءُ الْمُحَارِبِ وَ أَمْرُهُ إِلَی الْإِمَامِ إِنْ شَاءَ قَتَلَهُ وَ [إِنْ شَاءَ] صَلَبَهُ وَ إِنْ شَاءَ قَطَعَ یدَهُ وَ رِجْلَهُ»[[5]](#footnote-5)**

بنا بر روایت ترتیب صلب برای موت نیست بلکه صلب بعد موت است که در سنت‌های سابق هم خیلی مرسوم بوده بعدازاینکه شخص را می‌کشتند جلوی دارالاماره‌ای می‌آویختند، تا مدتی موجب عبرت دیگران شود.

#### روایت دوم

در روایت چهارم باز همین است؛

**«وَ إِنْ قَتَلَ وَ أَخَذَ الْمَالَ قُتِلَ وَ صُلِبَ»[[6]](#footnote-6)**

باز صلب بعد القتل است.

#### روایت سوم

در روایت دیگر که البته سند معتبری نیز ندارد، همین مضمون وجود دارد که؛

**«فَقَتَلَ وَ أَخَذَ الْمَالَ قُطِعَتْ یدُهُ وَ رِجْلُهُ وَ صُلِبَ» [[7]](#footnote-7)**

#### مقصود از صلب

بنا بر هر دو نظریه ترتیب و تخییر باید مقصود از صلب تبیین شود؛ در قبال ترتیب در روایات صلب به‌عنوان عملی بعد از قتل معرفی‌شده است. اما جدا بودن صلب از قتل امری است که یا در روایات نیامده است و یا روایات حاوی این مضمون، دچار ضعف هستند. و در روایت معتبری صلب به نحوی مستقل ذکر نشده است و به‌عنوان متمم مجازات محسوب می‌شود.

#### صلب بنا بر مبنای تخییر

اما بر اساس مبنای تخییر که روایات در حقیقت درصدد ارشاد به مصادیق از حد محارب هستند، طبق این فرض باید به خود آیه مراجعه نمود و این سؤال را مطرح کرد که آیا صلب به دار آویختن محض است یا به دار آویختنی که به همراه قتل باشد؟

به نظر می‌رسد صلب در حقیقت به دار آویختنی باشد که منجر به قتل شود، همان‌طور که در کتب لغت ذکرشده که معلق کردن انسان بر چوبی است برای اینکه او کشته شود. بنابراین بنا بر نظریه تخییر او به‌صورت زنده به دار آویخته می‌شود لذا در فتاوا و شرایع بنا بر نظریه تخییر صلب را حیاً تعبیر نموده‌اند.

1. **- تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - الحدود؛ ص: 663.** [↑](#footnote-ref-1)
2. **- 33/مائده.** [↑](#footnote-ref-2)
3. **- 34 / مائده.** [↑](#footnote-ref-3)
4. **- تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - الحدود؛ ص: 670.** [↑](#footnote-ref-4)
5. **- الکافی (ط - الإسلامیة)؛ ج 7، ص: 248.** [↑](#footnote-ref-5)
6. **- الکافی (ط - الإسلامیة)؛ ج 7، ص: 247.** [↑](#footnote-ref-6)
7. **- الکافی (ط - الإسلامیة)؛ ج 7، ص: 247.** [↑](#footnote-ref-7)